

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

پژمان رحیمی

۰۹ دسمبر ۲۰۱۱

هجمه نئولیبرال ها و "چپ" های سبز

علیه کانون نویسندگان ایران

سیزدهمین سالگرد قتل نویسندگان و کوشندگان راه آزادی و برابری، امسال هم با سکوت اغلب نیروهای وابسته به سبزه‌ها روبه رو شده است. امسال هم صداقت سیاسی این نیروها در پابندی به آزادی و برابری محک می خورد. کانون نویسندگان ایران از آنجا که سنگربان آزادی بیان و اندیشه است و منشور مطالبات تاریخی مردم ایران را در این زمینه نمایندگی می کند همواره مورد حمله سیاست بازانی قرار گرفته است که برخلاف ادعاهای خود تنها و تنها دل در گرو پروژه های سیاسی مشخص و البته همبسته با جناحهای به زعم آنان "بالنده و مترقی" در رژیم سرمایه پناه اسلامی دارند و هر گونه مخالفت و انتقادی را با پولیویزمی "آشنا" مورد حمله قرار می دهند. کانون نویسندگان در جریان مبارزات مردم به جان آمده از جهل و جنایت سی و چند ساله جمهوری اسلامی به درستی بر سیاست مستقل مردمی تأکید کرد و در چهارچوب وظایف خود به قتل و جنایت و سرکوب مردم اعتراض کرد. فعالان برجسته کانون نویسندگان هم که سابقه روشنی در تاریخ مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران دارند هر کدام و اغلب به مرزبندی با جناح حکومتی مغضوب نظام اسلامی پرداختند و بر مقاومت و مبارزه مستقل مردمی تأکید کردند.

اما چپ‌نماهای سبز شده که انفعال خود را درمانی نیافتند به سربازان با جیره و مواجب مشخص پولیویزم سبز تبدیل شدند. از "سیاست مردم" سخن گفتند ولی آشکارا و بی ضابطه آب به آسیاب جناح مغضوب نظام ریختند. هر گونه صدای مخالفی را به هم صدائی با کیهان و شریعتمداری نسبت دادند و به آرزوی کفی نان، قبای سبز بر دوش آویختند (۱).

در این رویکرد تسلیم طلبانه و منفعل، کوچکترین توجهی به تناقضات درونی اصلاح طلبان و سبزه‌های حکومتی نشد و پولیویزم تنوره کشان برای یکدست کردن (کنترل) مقاومت و مبارزه مردمی خودش را بر فضای رسانه‌ئی و مطبوعاتی حاکم کرد. در این میان تک چهره هائی همچون فعالان برجسته کانون نویسندگان ایران در برابر هجوم

پوپولیزم سبز مقاومت کردند و صدای دیگری را نمایندگی کردند. پیامشان روشن بود؛ "تأکید بر مقاومت و مبارزه مستقل مردمی بدون تسلیم شدن به فرصت طلبی اصلاح طلبان و سبزه‌های حکومتی".

چپ‌های رفرمیست به طور هماهنگ به خدمت ستادهای انتخاباتی درآمدند و در یک دست کردن فضای پرشوری که ایجاد شده بود نقش اساسی ایفا کردند. ادعای "فضای باز گفت و گو" رنگ باخت و عملا هر صدای مخالف و منتقدی را با ناروا ترین برچسب‌ها سرکوب کردند. کانون نویسندگان ایران یکی از نهادهائی بود که مورد هدف پوپولیزم سبز قرار گرفت. شخصیت‌های موجه و دارای سابقه روشن و درخشان مبارزاتی را به هم صدائی با کیهان محکوم می‌کردند و در محافل خصوصی و مجامع عمومی از هر توطئه و دروغ پردازی برای بدنام کردن و سرکوب کردن آنان استفاده کردند.

کانون نویسندگان همواره مورد هدف حاکمیت جمهوری اسلامی قرار داشت و تا کنون اعضای این کانون سخت‌ترین محدودیت‌ها و فشارها را تحمل کرده‌اند و برخی از اعضای کانون جان بر سر پیمان گذاشتند و از سعید سلطان پور تا پویبند و مختاری قربانیان رژیم چهل و جنایت جمهوری اسلامی شدند. اما در دوره حاکمیت اصلاح طلبان و نئولیبرال‌های اسلامی و سکولار متحد با آنان هم، به اشکال مختلف کانون مورد حمله قرار گرفت. مجله شهروند امروز به قلم محمدقوچانی به طور واضحی برای سرکوب بیشتر کانون زمینه چینی کرد. اما همین زمینه چینی توسط چپ‌های سبز شده پروژه اجرائی اش در فاز جدیدی کلید خورد.

اعضای کانون و موضع‌گیری مستقل کانون در قبال تسلیم طلبی مقابل پوپولیزم سبز در ابعاد وسیع تری مورد حمله چپ‌های سبز شده قرار گرفت و لبخند رضایتی از تحریب و تضعیف کانون بر لبان این مجریان جدید پروژه سرکوب کانون نقش می‌بست. چپ‌های سبز شده انتقام افشائگری کانون از تسلیم طلبی و انفعال سیاسی آنان را از این طریق گرفتند و از اختلال در برگزاری مراسمات همچون سالگرد قتل‌های زنجیره‌ئی و سالگرد زنده‌یاد احمد شاملو خوشحالی خود را نمی‌توانستند پنهان کنند. آنان که قرار بود طبق توصیه‌های آبکی رهبرانشان "شهروند-خبرنگار" یا "هر فرد یک ستاد" باشند به گارد سرکوب رژیم علیه نهادهای سابقه و با نام و نشان تاریخ مبارزات مردمی ایران تبدیل شدند. این توطئه‌گری و سیاست بازی را هزینه بی‌اعتنائی کانون به "جنبش" مردم نشان دادند و وظیفه خود را تقویت لجن مال کردن کانون نویسندگان قرار دادند و در خیال خود به تقویت جناح "مترقی" نظام کمک می‌کردند که در واقع حقارت سیاسی خود را پنهان می‌کردند و جرم کانون افشائگری علیه این انفعال و ادا دگی بود.

اما اکنون که جنبش مردمی به علت کارشکنی‌ها و ضعف و انفعال رهبران خودخوانده اش و تناقضات نیروهای سیاسی اصلاح طلب و سبز دچار رکود و افت شده است، چپ‌های سبز شده مهر سکوت بر لب زده‌اند و بعضاً بخشی از انتقادات و تذکرات منتقدین اولیه خود را ریاکارانه از زبان خود به عنوان تحلیل رکود کنونی بیان می‌کنند. تحولات دوساله اخیر در ایران به "فرصت طلبی سیاسی" معنائی بس دردناک داد و آشکار است که برای گذر از بحران کنونی و جست و جوی ساز و کار مستقل جنبش مردمی، تعیین تکلیف با فرصت طلبی سیاسی که برای منافع مقطعی خود حاضر است بزرگ‌ترین دروغ‌ها را بگوید و نهادهائی با سابقه روشن همچون کانون را به هر قیمتی قربانی رضایت ابلهانه خود برای پیروی گله‌وار از بخشی از حاکمیت (حالا هر که باشد) بکنند، ضروری است.

این بخش از نیروها همواره به سمت قدرت مستقر سمت‌گیری می‌کنند و همیشه علیه منافع مردمی هستند. این روزها هم که خطر جنگ تهدیدمان می‌کند آنان غالباً حرف حسابشان ایستادن در کنار جمهوری اسلامی است حالا

گیریم که حرفشان را با شرم و حیا و در لفافه می گویند و عملاً بازگشائی جبهه سوم را مَهر "آرمان گرایی" و "بلندپروازی" می زنند. کانون نویسندگان ایران به عنوان یک متر و معیار برای اندازه گیری استقلال جنبش و مبارزات مردمی از ارزشهای پایدار مبارزات تاریخی مردم ایران است و نیروهائی که برای خوش خدمتی و تسلیم به پوپولیزم سبز در سرکوب آن کوشیدند و فحاشی و تخریب غیرمسئولانه آنان علیه کانون نویسندگان ایران و شخصیت های برجسته آن در کارنامه خیانت هائی که به جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردم ایران شده، ثبت شده است.

کانون نویسندگان ایران با همه مشکلاتی که برایش ایجاد شد و همچنین با همه ضعف ها و قوت های خود یکی از دستاوردهای مقاومت و مبارزه تاریخی مردم ایران علیه استبداد و ستم است. پوپولیزم سبز با عمق یابی مبارزات مردمی و باز شدن دستشان در جهت گیری مزورانه شان در قبال آینده جنبش و تغییر ناگهانی به نقش توجیه کننده دخالت بشردوستانه، رو به نابودی و اضمحلال است و موج خروشان مبارزات مردمی به یاری کانونها و شخصیت های مستقلی همچون کانون نویسندگان ایران و فعالان مستقل آن دوباره استوارتر سر بلند خواهد کرد. اما چپ های سبز در تلاشند تا از خطر جنگ بار دیگر برای تقویت پوپولیزم سبز استفاده کنند که وجه دیگری از فرصت طلبی سیاسی آنان را آشکار می کند. این نیروها این بار هم همچون سال های نخست قیام ۵۷، که برای دلبری از روحانیون تن به خوش خدمتی به "خط امام" دادند و کانون نویسندگان و گروه ها و سازمان های مختلف سیاسی را در آن سال ها با چراغ سبز جمهوری اسلامی مورد هدف سرکوب و توطئه قرار دادند، نتوانستند از بخت سیاه خود (پوپولیزم سبز) طرفی ببندند و صلای وحدت با جناح "بالنده رژیم" باز هم خفه شد تاندای جنبش مستقل آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردمی در ایران بار دیگر اوج بگیرد؛ چنین باد!

.....

(۱). زنده یاد احمد شاملو در مصاحبه ای با مجله تهران مصور در سال ۵۸ درباره جهت گیری های حزب توده گفته بود: «توده ئی ها به احتیاج کفی نان، مسلمان شده اند»!